

## بررسی زبان‌شناختی نفثه المصدور اثر شهاب‌الدین محمد زیدری با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی

سهیلا صادقی<sup>۱\*</sup>، علی پدram میرزایی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۰ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۷

### Linguistic Investigation of "Nafthat al-Masdoor" by Shahabuddin Mohammad Zaidari with Critical Discourse Analysis Approach

Soheila Sadeghi<sup>1\*</sup>, Ali Pedram Mirzaee<sup>2</sup>

1. Phd Candidate in Persian Language and Literature, Payame Noor University

2. Associate Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University

Received: 2018/07/11 Accepted: 2019/02/26

#### Abstract

This research is a linguistics analysis of "Nafthat al-Masdoor" by Shahabuddin Mohammad Zaidari with a critical discourse approach based on the analytical model of Yarmohammadi (1391) and Van Leeuwen (1996). Discourse analysis reveals the relationship between the text and the author's ideology, and attempts to pay attention to the general analysis of the text and its deep and complex structure with a particular focus on the nature of the use of language. Given that the purpose of the critical analysis of discourse is to decode the underlying layers of the text, the findings of this research show that the author has used the deletion component in addition to the use of verbal and emotional expressions as the dominant aspect of the work. At first glance, this silence or gap in the discourse of concern refers to a constantly delayed referent inducing the reader to think of the author as an introverted person. However, what is pushed to the margins is the fact that despite his severe objection to Kharazmshah's court and its unfriendly atmosphere, Zaidari in fact attempted to develop a corpus featuring his contemporary events by arranging the pieces of his works, consciously or unconsciously, in such a way as to rely on a discourse consonant with his thought. The corpus generally reflects a theme of fate and determinism. The macrostructure of this work prompts the readership to assume that in shaping the unfavorable bitter end of this account Zaidari's beloved king, Jalaladin Kharazmshah, and his oppressed people could do nothing but succumb to this doomed destiny.

**Keywords:** Zaidari, Nafthat al-Masdoor, critical discourse analysis, underlying conceptual layers, sociolinguistics.

#### چکیده

پژوهش حاضر بررسی زبان‌شناختی نفثه المصدور اثر زیدری نسوی است که با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و بر اساس الگوی تحلیلی یارمحمدی (۱۳۹۱) و نظریات ون لیوون (۱۹۹۶) به انجام رسیده است. تحلیل گفتمان، رابطه بین متن و ایدئولوژی مولف را آشکار می‌کند و می‌کوشد با تمرکز خاص بر چرایی و چگونگی استفاده از زبان، به تحلیل کلیت متن و ساختار عمیق و پیچیده آن بپردازد. با توجه به اینکه هدف تحلیل گفتمان انتقادی، رمزگشایی از لایه‌های زیرین مفهومی اثر است، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زیدری به موازات مولفه اظهار با قرینه لفظی و فحوی که وجه غالب و دلیل ادیبیت اثر است، از مولفه حذف استفاده بسیار کرده است؛ این سکوت یا جای خالی در بافت گفتمانی مورد نظر به مدلولی دلالت می‌کند که پیوسته به تعویق می‌افتد؛ مدلولی که در نگاه نخست، حکایت از درونگرا بودن نویسنده دارد. اما آنچه به پس‌زمینه رانده می‌شود این است که زیدری با وجود اینکه در بخش‌هایی از کتابش اعتراض و انتقاد شدیدی نسبت به کارگزاران دربار خوارزمشاه و فضای غیر دوستانه آن دربار دارد، با چینش ناخودآگاه یا خودآگاه اجزای اثرش و با تکیه برگفته‌مداری مطابق با اندیشه‌اش، سعی در ساخت پیکره‌ای از حوادث روزگار خویش داشته است که شکل کلی آن سرنوشتی محتوم و جبری مطلق است. ساختار کلی اثر به مخاطب القا می‌کند که در شکل‌گیری فرجام تلخ این تاریخ، پادشاه مطلوب زیدری «سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه» و مردم مظلوم سرزمینش در برابر جبر سرنوشت چاره‌ای جز انفعال نداشته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** زیدری، نفثه المصدور، تحلیل گفتمان انتقادی، لایه‌های زیرین مفهومی، زبان‌شناسی اجتماعی.

## مقدمه

تحلیل انتقادی گفتمان از شاخه‌های علم زبان‌شناسی است که با پرده‌برداری از عناصر زیرین زبان، وجوه پنهان آن را آشکار می‌کند. بدیهی است که انسان‌های مختلف از متن واحد، برداشت‌ واحدی ندارند. دالی متفاوت می‌تواند برای اشاره به مدلولی ظاهراً یکسان استفاده شود. متن در واقع یک کل معنادار است که بار ایدئولوژیک دارد. «در تحلیل گفتمان باید به پیش‌فرض‌های زبان‌شناسی و روان‌شناسی بر روی ساختار و توابع جمله و گفتمان استعاری توجه داشت» (ون‌دایک، ۱۹۷۵: ۱۷۳). هدف تحلیل انتقادی گفتمان، رمزگشایی از لایه‌های زیرین مفهومی اثر است. «علاوه بر ساختار روبین اثر مثل واحدهای آواشناختی و نحوی، اطلاعات دیگری نیز در متن وجود دارد که ترجمه یا تغییر شکل یافته مفهیمی است که در متن ذکر نمی‌شوند» (ون‌دایک، ۱۹۷۹: ۱۴۵). این رویکرد به چگونگی استفاده از عناصر زبانی و ساختارهای گفتمان‌مدار مختلف برای به تصویر کشیدن حقایق به شکل‌های گوناگون می‌پردازد. «گویندگان و نویسندگان با گزینش واژگان، ساختارهای دستوری و شیوه بیان خاص، مطالب را آن گونه که خود می‌خواهند به مخاطبان انتقال می‌دهند. شیوه به‌کارگیری زبان در هر جامعه‌ای بر پایه رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌های موجود در آن جامعه شکل می‌گیرد» (یارمحمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۶-۱۴۵). تحلیل انتقادی گفتمان یک روش تحقیقی کیفی است که به مطالعه ابعاد مختلف متن در جهت درک زبان مورد استفاده می‌پردازد. پژوهش حاضر ضمن بررسی ساختار و مفهوم متن کامل *نقشه‌المصدر* اثر زیدری نسوی، کوشیده است که مؤلفه‌های گفتمان‌مدار اثر را بر اساس الگوی تحلیلی یارمحمدی (۱۳۹۱) که برگرفته از نظریات ون لیوون<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) است، مشخص کند.

*نقشه‌المصدر* یکی از ارزشمندترین کتب تاریخ و ادب پارسی است که در نیمه اول قرن هفتم هجری به قلم شهاب‌الدین محمد بن علی بن محمد منشی خرندزی زیدری نسوی به نگارش در آمده است. وی از نویسندگان و منشیان درگاه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه منکبرنی بوده است که نسبت به سلطان ارادت بسیار داشته و در اغلب لشکرکشی‌ها و سفرهای سلطان حضور داشته است. دوره زندگی او یکی از پرآشوب‌ترین دوران تاریخ و مقارن با حمله مغولان به ایران

بوده است. سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه، پس از مقاومت بسیار در برابر تاتار، در سال ۶۲۸ هجری به دست آن‌ها کشته می‌شود و شهاب‌الدین زیدری پس از مرگ سلطان مدتی در بلاد آسیای صغیر و آذربایجان سرگردان و بلا تکلیف به سر می‌برد. سپس به دربار ملک مظفر شهاب‌الدین غازی از سلاطین کرد ایوبی پیوسته و در آنجا *نقشه‌المصدر* را در سال ۶۳۲ هجری به پارسی و کتاب «سیرت جلال‌الدین منکبرنی» را در سال ۶۳۹ هجری به زبان عربی به نگارش در می‌آورد. زیدری *نقشه‌المصدر* را به گونه‌ی بث الشکوی در شرح دشواری‌هایی که برای سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در اواخر عهد او و نویسنده پیش آمد و بیشتر در شرح مصائبی که خود تحمل کرده بود نوشت. این کتاب ارزشمند گزارشی از رنج‌ها و مصیبت‌های مردم ایران در کشاکش یورش‌های وحشیانه قوم تاتار است. «زمان وقوع حوادث کتاب از حدود سال ۶۲۷ تا ۶۲۹ هجری است. نویسنده سعی داشته است با استفاده از انواع صور خیال به بهترین وجهی اندیشه‌ها، عواطف و احساساتش را به خواننده‌اش منتقل کند» (مشهدی، اتحادی و واثق عباسی، ۱۳۹۴: ۳). فرضیه پژوهش این است که در ورای آن همه یاس و تالم، که زیدری با لفظ‌پردازی بسیار و پرداختن به موسیقی کلام و تکرار وافر واج‌ها در *نقشه‌المصدر* به مخاطب القاء می‌کند و به صراحت هدف کتابش را درد دل و بث الشکوی عنوان می‌کند «از *نقشه‌المصدر* که مهجوری به آن راحتی تواند یافت، چاره نیست» (زیدری، ۱۳۸۵: ۷)، بیان استعاری و نوعی ایدئولوژی پنهان نیز در متن وجود دارد. پژوهش حاضر با یافتن پاسخ برای دو پرسش زیر، درستی فرضیه فوق را به اثبات می‌رساند: ۱- ایدئولوژی حاکم بر *نقشه‌المصدر* چیست؟ ۲- مولف چگونه از زبان برای القاء این ایدئولوژی به مخاطب استفاده کرده است؟ روش کار توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تحقیقات کتابخانه‌ای است.

## پیشینه پژوهش

اصطلاح تحلیل گفتمان<sup>۲</sup> نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس انگلیسی زلیک هریس<sup>۳</sup> به کار رفته است. زلیک هریس در آن نوشتار دیدگاهی صورت‌گرایانه از جمله به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگرشی ساختار گرایانه به جمله و متن برشمرد. بعد از هریس، بسیاری از زبان

2. discourse analysis  
3. Zellig Harris

1. Van leeuwen

(۱۳۸۹) به مقایسه تحلیل انتقادی گفتمان داستان‌های کوتاه معاصر بزرگسالان و داستان‌های کوتاه معاصر نوجوان پرداخته‌اند. در این پژوهش، ده داستان کوتاه بزرگسال و ده داستان کوتاه نوجوان مورد بررسی قرار گرفته است و یارمحمدی و همکاران به این نتیجه رسیده‌اند که ادبیات هم می‌تواند به صورت ابزاری در دست جناح‌های مختلف برای بیان ایدئولوژی به معنی ترویج گرایش‌های گروهی قرار گیرد. فتوحی و وفایی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل انتقادی زندگی‌نامه‌های مولوی» سعی کرده‌اند نحوه تبدیل ارزش‌های معنوی مولانا را به گفتمان اقتدارگرا، در قونیه و پس از مولانا، نشان دهند. بدین منظور سه زندگی‌نامه از زندگی‌نامه‌های مولوی را با دیدگاه تحلیل انتقادی گفتمان بررسی کرده‌اند؛ ولدنامه، رساله سپهسالار و مناقب‌العارفین متونی هستند که این پژوهشگران سعی کرده‌اند مناسبات گفتمانی هریک را آشکار و تفاوت آن‌ها را با یکدیگر مشخص کنند. آن‌ها برخی از ساختارهای زبانی هر متن را که با ساختارهای ایدئولوژی و قدرت نسبت دارند، بررسی کرده‌اند؛ مؤلفه‌هایی چون ساختار روایت، لقب‌سازی و نام‌دهی، واژگان، ساخت‌های زبانی مبالغه‌آمیز، و ساختارهای بلاغی. دسپ (۱۳۸۸) در رساله دکتری خود، با عنوان *تحلیل گفتمان غالب در رمان‌های سیمین دانشور*، در دانشگاه تربیت مدرس، کوشیده است تحلیل انتقادی گفتمان را همچون ابزاری برای تحلیل متون ادبی معاصر به کار بندد. دسپ بیان می‌کند که هدف وی از این پژوهش ارائه چهارچوبی آشکار برای تبیین جهان‌بینی نویسنده و کشف موقعیت تاریخی، سیاسی، و اجتماعی‌ای است که این داستان‌ها در بستر آن به نگارش در آمده‌اند. بنابراین، این پژوهشگر نخست، به‌تفصیل، بافت تاریخی، فرهنگی، و اجتماعی ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی و تأثیر این دگرگونی‌ها بر تحولات ادبی را بررسی می‌کند. سپس، به تجزیه و تحلیل رمان‌های سووشون، جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان می‌پردازد. پژوهش دیگری که در این زمینه می‌توان نام برد رساله دکتری آقاگل‌زاده (۱۳۸۱) با عنوان *مقایسه و نقد رویکردهای تحلیل کلام و تحلیل کلام انتقادی در تولید و درک متن است که به تبیین دقیق رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته است*. پهلوان‌نژاد و همکاران (۱۳۸۸) نیز به بررسی شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با توجه به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی معنایی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در همه متون بررسی شده توسط

شناسان تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته‌اند. به اعتقاد این عده تحلیل گفتمان تحلیل ساختار زبان گفتار است. دسته اخیر معتقد بودند که تحلیل گفتمان بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد. دیری نگذشت که بعضی از زبان‌شناسان این مفهوم را در معنای متفاوتی به کار بردند. از شاخص‌ترین افرادی که در این حیطه از دانش فعالیت کرده‌اند می‌توان به هارولد لاسول<sup>۱</sup>، گادامر<sup>۲</sup>، استابز<sup>۳</sup>، میشل فوکو<sup>۴</sup>، لاکلو<sup>۵</sup>، موفه<sup>۶</sup>، ون لیوون<sup>۷</sup>، دریدا<sup>۸</sup>، هابرماس<sup>۹</sup> و فرکلاف<sup>۱۰</sup> اشاره کرد که با نگرش‌ها و گرایش‌های متفاوتی به این مبحث پرداخته‌اند. در این میان، تنوون لیوون روش‌های تحلیل زبانی را با اطلاعات و دانش خود در خصوص ارتباطات دیداری تلفیق کرده و در رویکرد خود نسبت به نشانه‌شناسی اجتماعی به کار برده است. او، در ارائه الگوی خویش، از مفهوم گفتمان فوکو به عنوان ساختاری از جوانب خاص واقعیت که منافع بافت‌های خاص تاریخی یا اجتماعی را محقق می‌کند و نیز مکتب نشانه‌شناسی اجتماعی هلبدی استفاده کرده است. ون لیوون در آثار متعدد (۱۹۹۶، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۳) به معرفی انگاره پیشنهادی خود جهت بازنمایی کنشگران اجتماعی پرداخته و در این انگاره در طول دو دهه اخیر (۲۰۰۸) تعدیل‌هایی نیز به عمل آورده است؛ ضمن اینکه روح کلی آن را از نسخه سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ تا کنون حفظ کرده است. در ایران نیز بر اساس الگوی ون لیوون و تحلیل گفتمان انتقادی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است که در ادامه به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود. پوشنه و بابک‌معین (۱۳۹۲) در تحلیل گفتمان انتقادی اثری از ابراهیم گلستان با تبیین مؤلفه‌های گفتمانی به این نتیجه رسیده‌اند که دو مبارز سیاسی داستان گاهی به‌صراحت بازنمایی شده‌اند اما در قسمت‌های دیگری از متن پوشیده نگاه داشته شده‌اند که این خود نمایانگر دیدگاه اجتماعی خاص پدیدآور است؛ وی با منفعل‌سازی مبارزان سیاسی، رفتار کارگزاران صاحب قدرت را برجسته و بازنمایی می‌کند تا استبداد و ستم را به تصویر بکشد. در پژوهشی دیگر یارمحمدی، یمینی و قنبری

1. Harold Lasswell
2. Gadamer
3. Stubbs
4. Michel Foucault
5. Laclous
6. Mouffe
7. T. Van Leeuwen
8. Derrida
9. Habermas
10. Fairclough

گفتمان (شعبیری، ۱۳۸۹) و قدرت، گفتمان و زبان (سلطانی، علی اصغر، ۱۳۸۴) نام برد. واژه «گفتمان» معادل واژه discourse، برساخته داریوش آشوری است که برای نخستین بار این واژه را در مقاله «نظریه غرب‌زدگی و بحران تفکر در ایران» در نشریه ایران‌نامه به کار برد.

### چارچوب نظری پژوهش

از نظر تحلیلگران گفتمان انتقادی «متن تعامل بین مولدان و مصرف‌کنندگان آن در درون بافت‌های اجتماعی و نهادهای مرتبط با آن‌هاست» (فاولر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶: ۱۴). هدف نظریه‌های مختلف تحلیل گفتمان و نشانه‌شناسی «تحلیل چگونگی تولید معنا در متن است. با وجود این، نظریه گفتمان، که رشد آن تحت تأثیر چرخش زبانی دهه ۱۹۷۰ و نظریه هرمنوتیک، نظریه انتقادی و پساساختارگرایی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ قرار داشته است، به پیامدها و تأثیرات متفاوت این موضوع توجه بیشتری دارد» (حسینی سروری، ۱۳۹۳: ۶۸). استفاده از روش تحلیل گفتمان برای نقد آثار ادبی مستلزم تلقی ادبیات به منزله گفتمان و تأکید بر نقش تعاملی متون ادبی است و برای انجام دادن چنین تحقیقی باید به ارتباط دوسویه میان ادبیات و بافت اجتماعی حاکم بر اثر ادبی خلق شده توجه کرد. تحلیل گفتمان انتقادی میان ادبیات و دیگر متن‌ها تفاوتی قائل نیست و همه متون را در خدمت ارتباط می‌داند. بنابراین، در تحلیل متن ادبی استفاده از فرایندهای ایدئولوژیک مبتنی بر خوانش‌های متعدد بینامتنی را ضروری می‌داند. در رویکرد گفتمان انتقادی، زبان به مثابه سازنده معنا و واقعیت مطرح می‌شود. هر کلام دارای دو نوع معناست: ۱- معنای منطقی<sup>۲</sup> که از طریق واژه‌ها و ساختار دستوری موجود در آن منتقل می‌شود. ۲- معنای غیر بیانی<sup>۳</sup> که منظور و هدف عمده متکلم از ادای کلام است. معنای اجرایی یک کلام هیچ ارتباطی با ساختار دستوری آن ندارد. هر چیز و هر فعالیتی برای معنا دار شدن باید بخشی از گفتمانی خاص باشد. این بدان معنا نیست که هر چیزی باید گفتمانی یا زبانی باشد، بلکه هر کنشی برای درک شدن باید بخشی از چارچوب معنایی وسیع‌تری به حساب آید. برداشتی که لاکلو و موفه<sup>۴</sup> از تحلیل گفتمان دارند، هویت ربطی گفتمان است. معنای اجتماعی کلمات،

ایشان، از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی معنایی کم و بیش استفاده شده است و شیوه غالب در بازنمایی کارگزاران اجتماعی، استفاده از مؤلفه‌ها، به این ترتیب است: تشخیص بخشی، فعال‌سازی، تشخیص‌زدایی، حذف و منفعل‌سازی. در این نشریات کارگزاران در هیئت انسان‌هایی فعال و پویا بازنمایی شده‌اند. کارگزارانی فعال که پس از رهایی از استبداد در راه پیشرفت جامعه خود می‌کوشند. همچنین حق‌پرست (۱۳۹۱) در مقاله «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در داستان بهمن از شاهنامه و بهمن‌نامه بر اساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی در تحلیل گفتمان» شباهت‌ها و تفاوت‌های تصویرسازی کنشگران اجتماعی در دو روایت مختلف از ماجراهای کین‌خواهی بهمن در شاهنامه و بهمن‌نامه را واکاوی می‌نماید. او اذعان می‌دارد که نام‌بری‌های بهمن‌نامه بیشتر جنبه گزارش‌های موضوع و مکالمه‌هایی را دارد که میان کنشگران رد و بدل شده است. اما در شاهنامه نام‌دهی شامل ذکر نام پهلوانان و شاهان پیشین است که کردار و محبوبیت آن‌ها در فرایند کسب اجازه بهمن می‌تواند مفید باشد. قبادی و همکاران (۱۳۸۸) نیز «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون دانشور» را مورد بررسی قرار داده‌اند. شریف و یارمحمدی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی رباعیات خیام از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان مدار» به این نتیجه رسیده‌اند که در میان مؤلفه‌های گفتمان مدار موجود در رباعیات خیام، اظهار با قرینه فحواوی (معنایی) در مقایسه با اظهار با قرینه لفظی از فراوانی معنادار برخوردار است. از دیگر پژوهش‌های این حوزه می‌توان به مقالات «تحلیل گفتمان؛ با تأکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی» (کلاتنری و دیگران، ۱۳۸۸)، «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی» (حیدری تبریزی و رزمجو، ۱۳۸۴)، «تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات عاشقانه سعدی» (شهبازی، ۱۳۷۸)، «تحلیل گفتمانی شعر پیغام ماهی‌ها از سهراب سپهری» (فرهنگی، ۱۳۸۵)، «تحلیل انتقادی گفتمان صوفیانه در گلستان سعدی» (فقیه ملک‌مرزبان و فردوسی، ۱۳۹۳) و «تحلیل گفتمان انتقادی رمان دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست داشت، اثر شهرام رحیمیان» (قاسم زاده و گرجی، ۱۳۹۰) اشاره کرد. کتاب‌هایی نیز در این زمینه به نگارش درآمده‌اند که از آن جمله می‌توان از کتب گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی (یارمحمدی، ۱۳۸۳)، ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی (یارمحمدی، ۱۳۸۵)، تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی

1. Fowler

2. Propositional Meaning

3. Illocutionary Meaning

4. Laclau & Mouffe

این تأثیرات است؛ به این معنا که ساختارهای اجتماعی به دانش زمینه‌ای شکل می‌دهند. گفتمان‌ها دانش زمینه‌ای را حفظ می‌کنند یا آن را تغییر می‌دهند و این دومی باز به نوبه خود حافظ یا تغییردهنده ساختارهاست. در تحلیل گفتمان رابطه صورت و معنا از نوع قراردادی نیست، بلکه صورت، معنا را تعیین می‌کند و زبان به عنوان کنشی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که از طریق آن ایدئولوژی‌ها نمایانده می‌شود (فالور و همکاران، ۱۹۷۹: ۱۸۸ به نقل از آقاگل‌زاده و خیرآبادی، ۱۳۹۲: ۸). «برای فهم یک متن نیاز است که مخاطب معنای ساختار کلی متن را از واحدهای کوچک‌تر متن دریافت کند و با این فرآیند به تدریج به بازنمایی مفهومی متن در ذهن خود نائل شود» (ون‌دایک، ۱۹۷: ۱۴۵) الگوی تحلیلی ما در این پژوهش، الگوی پیشنهادی یارمحمدی (۱۳۹۱) است که برگرفته از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار ون لیوون (۱۹۹۶) است. در این الگو دو مؤلفه گسترده حذف و اظهار در متن مورد بررسی قرار می‌گیرند. این الگو در نمودار شماره ۱ قابل ملاحظه است.

### بحث و تحلیل

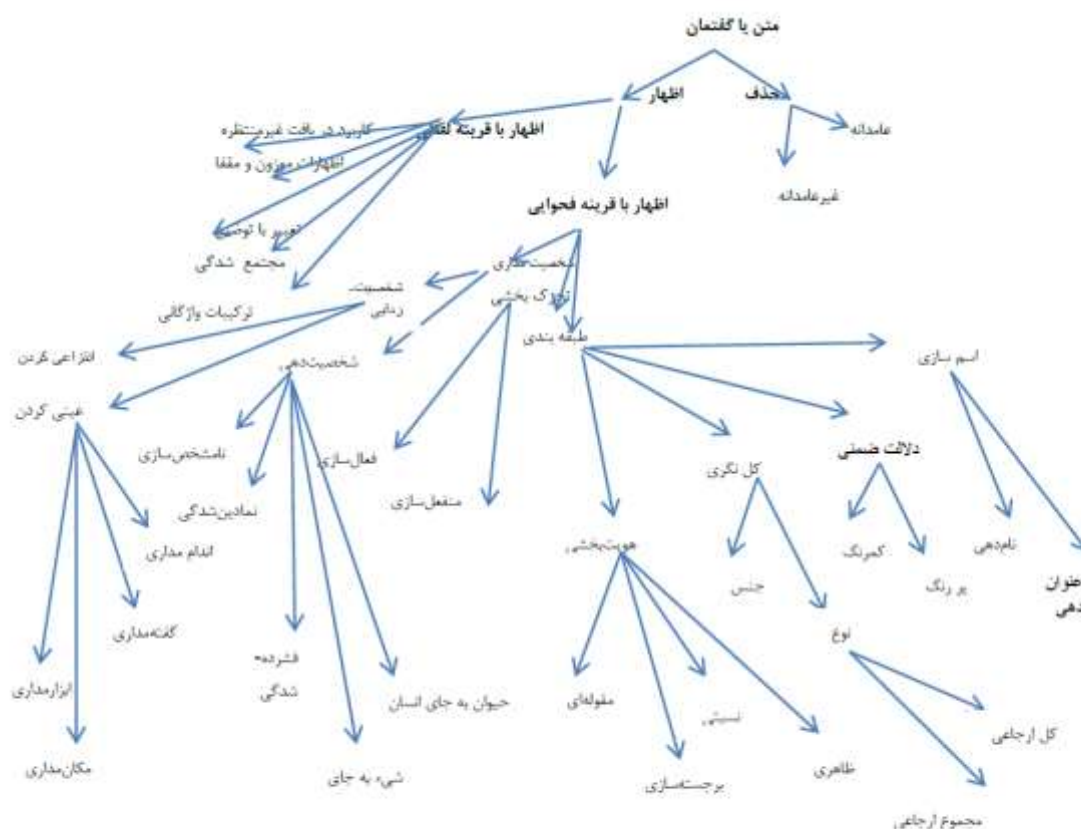
تحلیل گفتمان انتقادی از رویکردهای مختلفی تشکیل شده است که شباهت‌ها و اختلاف‌هایی با هم دارند؛ اما «همه رویکردها در این مورد اتفاق نظر دارند که باید از توصیف زبانی فراتر رفت تا بتوان به تبیین دست یافت و نشان داد که نابرابری‌های اجتماعی در زبان خلق و در زبان منعکس می‌شوند» (پنکیوک<sup>۱</sup>، ۱۳۷۸: ۱۲۵). با تحلیل دقیق ویژگی‌های زبانی یک متن می‌توان نشان داد که گفتمان‌ها چگونه به طریق متنی فعال می‌شوند و به تفسیری خاص می‌رسند و آن را تقویت و تحکیم می‌کنند (یورگسن و فیلیپس<sup>۲</sup>، ۱۳۸۹: ۱۴۳). تحلیل متن بر خصوصیات صوری، از قبیل کلمات، دستور زبان، و انسجام جمله متمرکز می‌شود؛ خصوصیتی که باعث شکل‌گیری زبانی گفتمان‌ها و زانرها می‌شوند (فرکلاف<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲: ۷۱). همان‌طور که پیش از این اشاره شد، از رویکردهای منسجم تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان الگوی تحلیل گفتمان‌مدار ون لیوون<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) را نام برد که بسط و تلفیق آراء سایر اندیشوران اجتماعی پیش از اوست. یارمحمدی (۱۳۹۱) نیز با تأسی از الگوی وی و با توجه

گفتارها، اعمال و نهادها را با توجه به بافت کلی‌ای که این‌ها خود بخشی از آن هستند، می‌توان فهمید. هر معنایی را تنها با توجه به عمل کلی‌ای که در حال وقوع است و هر عملی را با توجه به گفتمان خاصی که در آن قرار دارد، باید شناخت. پس اگر بتوانیم عمل را و گفتمانی را که عمل در آن واقع می‌شود توصیف کنیم، می‌توانیم فرآیندی را درک، تبیین و ارزیابی کنیم. نظریه ربطی گفتمان، که توسط لاکلو و موفه بسط یافته است، بدین معناست که گفتمان‌ها عناصر و اقدامات مربوط به همه بخش‌های جامعه را به هم ربط می‌دهند. این امر ما را به فرآیندی می‌رساند که به واسطه آن، گفتمان‌ها شکل می‌گیرند. در اینجا است که لاکلو و موفه مفهوم مفصل‌بندی را مطرح می‌کنند. این مفهوم به گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آن‌ها در هویتی نو اشاره می‌کند (سلطانی: ۱۳۷۷). مفصل‌بندی در واقع کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، اعمال و ... رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آن‌ها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند. «تحلیل انتقادی گفتمان، سه اصل مهم را مبنای کار خود قرار می‌دهد. ۱- زبانی که به کار می‌بریم مجسم کننده دیدگاهی خاص نسبت به واقعیت است. ۲- تنوع در گونه‌های گفتمان از عوامل اجتماعی و اقتصادی جدایی‌ناپذیرند. ۳- به‌کارگیری زبان حاصل و بازتاب فرایند و سازمان اجتماعی نیست، بلکه بخشی از فرآیند اجتماعی است» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۱). در الگوی تحلیلی فرکلاف (۱۹۸۹)، تحلیل گفتمان در سه مرحله انجام می‌گیرد: «مرحله نخست، مرحله توصیف است و شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در کلیت متن است. مرحله دوم، مرحله تفسیر است و به تعامل فرایند تولید و تفسیر متن می‌پردازد و مرحله سوم، مرحله تبیین است. مرحله‌ای که در آن دو مرحله قبل و همین‌طور زمینه اجتماعی متن، بررسی می‌شود» (قاسم‌زاده و گرجی، ۱۳۹۰: ۳۷). هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. در رویکرد انتقادی ون لیوون (۱۹۹۶)، تحلیل متون، از سطح توصیف به سطح تبیین ارتقا داده شده است. تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، به گفتمان شکل می‌دهند؛ همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها می‌توانند چه تأثیراتی بر بازتولید آن ساختارها بگذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند. دانش زمینه‌ای واسطه تعیین اجتماعی و

1. Pannkuk  
2. Jorgensen & Philips  
3. Fairclough  
4. Van Leeuwen

المصدر پرداخته و مؤلفه‌های گفتمان مدار و مؤلفه‌های زبانی و ادبی اثر مورد بحث را مورد بررسی قرار دهد. در هر دو گونه واکاوی سعی بر آن بوده است که واژه‌ها و نوع کاربرد آن‌ها در متن مشخص شود و وجوه جمله‌ها تبیین گردد. در ادامه، مؤلفه‌های بررسی شده قابل ملاحظه است.

به خصوصیات زبان فارسی، الگویی برای تحلیل متون فارسی با این رویکرد ارائه کرده است. الگوی مورد بحث، به دلیل تاکید بر مؤلفه‌های زبانی و جامعه‌شناختی-معنایی، با گفتمان موجود در نثقه المصدر تناسب دارد. به همین جهت پژوهش حاضر سعی دارد با کاربست این نظریه به تحلیل متن نثقه



نمودار شماره ۱. الگوی تحلیلی ارائه شده از سوی یارمحمدی (۱۳۹۱) برگرفته از الگوی ون لیوون (۱۹۹۶).

عامل محذوف قابل حدس زدن است) تقسیم می‌شود. مولف در نثقه المصدر ۳۰ بار از واژه روزگار و ۴۵ بار از واژه‌هایی مانند بخت، بارسالار ایام، امواج فتنه، نکبای نکبت، آسیای سنگین دوران، بوالعجب باز ایام، تصاریف دهر و ... به جای فاعلان حقیقی (عاملان ویرانی و نگون‌بختی خود و جامعه‌اش) استفاده کرده و در واقع به پنهان‌سازی کارگزاران حقیقی پرداخته است.

ب- حذف غیر عامدانه: در ۹ مورد حذف‌هایی وجود دارد که شاید به دلیل آشفتگی ذهن مولف باشد و خواننده را در ناآگاهی از واقعه قرار می‌دهد. مثلاً در جمله «شبانه من بنده

## الف- مؤلفه‌های گفتمان مدار

به طور کلی، مؤلفه‌های گفتمان مدار، به دو مؤلفه حذف و اظهار تقسیم می‌شوند. در یک متن ممکن است به علل مختلف گفتمانی، عامل عمل و یا پذیرنده حذف شود. سهولت یا اشکال در بازساخت عامل بستگی به نوع متن و نیت گوینده دارد. در مقابل مؤلفه حذف، مؤلفه اظهار قرار دارد که به دو زیر مجموعه اظهار با قرینه لفظی و اظهار با قرینه فحواپی و نقشی تقسیم می‌شود.

### ۱. حذف

الف- حذف عامدانه در پیوند با اهداف نویسنده که به دو مقوله کتمان (یا حذف همه‌جانبه) و حذف پس‌زمینه‌ای (که

۱. این حذف‌ها در صفحات ۹، ۱۱، ۲۰ و ۶۰ قرار دارند.

گروه‌ها از دیگران) را در بر می‌گیرد. ۲۰ مورد تفکیک‌شدگی در متن وجود دارد که البته به‌صراحت جمله «کیوتر با کیوتر، باز با باز» نیست، اما در تقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. مثل تقابل بین مولف و سلطان مسعود. ۲۲ مورد نیز جمع‌شدگی در متن هست که در واقع مراعات نظیر هستند. مثل «صباغ نوبهار، عیسی‌وار معجزه‌ای که در نفس داشت، از یک خم هفت‌رنگ پیدا کرده» (زیدری نسوی، ۱۳۸۵: ۱۰۱) و یا «اجویست که تا مشتق نشود، کلام او صحیح نباشد» (همان: ۳).

ت- تعبیر با توضیح؛ در این مؤلفه، ترکیبات بعد از یک واژه خاص، توضیحات بیشتری را در خصوص آن ارائه می‌دهند. ۵۸۰ مورد از این نوع مؤلفه در کتاب زیدری وجود دارد، مثل «این صدرنشین دلگیری، یعنی اندوه» (همان: ۳).

ث- ترکیبات واژگانی

۱- هم‌آیی با واژگان چندمعنایی؛ مانند «نه دست صبر که در آستین عقل برم». در نَفْثَةُ المَصْدور ۳۸ مورد هم‌آیی با واژگان چندمعنایی وجود دارد مثل «از عین مزیف مهر کیسه برموز که جوزایی کم‌عیار است» (همان: ۴۹) و «طالب علمی است سودا بر سر زده» (همان: ۳). اما جملاتی که دارای تناسب و باهم‌آیی هستند ۷۲۰ مورد است. ۲- هم‌آیی با متضاد خود؛ مانند ترکیب روشن‌تر از خاموشی. این هم‌آیی واژگانی به نوعی نیازمند تفسیر و توضیح است (شریف و یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۷۵). در متن مورد بررسی به‌طور کلی ۳۵ مورد هم‌آیی با متضاد خود وجود دارد. مثل «در گرم و سرد و خیر و شر مساعدت و موافقت او نموده» (زیدری نسوی، ۱۳۸۵: ۶۲) و ۹ مورد استعاره تهکمیسه مثل «ذات شریف» در معنی ذات خبیث. اما هم‌آیی با متضاد خود، به شکل گفتمان‌مدار و نیازمند توضیح در صفحات آغازین کتاب بیشتر ملاحظه می‌شود، مثل «عظام را عظام لگدکوب شده» (همان: ۲) و یا «ای در غرقاب نار، به کار آب پرداخته» (همان: ۴۱). همین‌طور ۱۱۸ مورد جملاتی که با ولی، لیکن، اگرچه، علی‌رغم، هرچند و ... به هم ربط یافته‌اند.

### ۳. اظهار با قرینه فحوایی

الف- طبقه‌بندی؛ دلالت ضمنی، هویت‌بخشی، کل‌نگری و اسم‌سازی را در بر می‌گیرد. در دلالت ضمنی، یک کارگزار مشخص نقش دیگری نیز بر عهده دارد. مثل واژه علی یا پدر در جایگاه فاعل جمله، که هم یک نقش عامل دارد و هم نقش جنسیتی. در نَفْثَةُ المَصْدور ۸۲ مورد نام و عنوان وجود دارد که

را به شیرکیود فرستاده بود» (زیدری، ۱۳۸۵: ۲۰). مشخص نیست که چه کسی او را به شیرکیود فرستاده است. در ۵۴۶ جمله، نهاد جمله حذف شده است اما کیستی و چیستی آن در جملات بعدی یا قبلی مشخص شده است. در ۵۴ جمله نیز بخشی از جمله حذف شده است که همگی از منظر زیبایی‌شناسی یا ایجاز قابل بررسی هستند، اما از منظر تحلیل گفتمان انتقادی کاملاً غیر عامدانه حذف شده‌اند.

### ۲. اظهار با قرینه لفظی

الف- کاربرد در بافت غیر منتظره که سه زیرمقوله توضیح واضحات، تعبیر غیر مرسوم در متن و کاربرد سوال (سوالی که پاسخ آن مبرهن است) را در بر می‌گیرد. در کتاب، ۱۱۸ مورد تعبیر غیر مرسوم در متن، ۷۰ مورد سوالی که با فعل منفی همراه است و ۲۸۰ جمله مترادف وجود دارد.

ب- اظهارات موزون و مقفا؛ به کار بردن واژگان هم‌آوا و آهنگین که نمونه آن در قرآن کریم بسیار به چشم می‌خورد. در نَفْثَةُ المَصْدور ۲۱۳۰ مورد هم‌آوایی در سطح واژه وجود دارد، مثل انواع جناس، سجع و تکرار. تکرار در سطح حرف که واج‌آرایی نامیده می‌شود، در جای‌جای کتاب قابل مشاهده است. در حدود ۱۰۰۰ مورد تکرار مصوت در متن وجود دارد که ۵۳۰ مورد آن تکرار مصوت «آ» است. تکرار در سطح هجا بسامد بسیار بالایی دارد. تکرار در سطح کلمه کمتر از تکرار هجاست و شامل تکرار ۱۵۵ واژه است. در این بین واژه دل بیشترین بسامد را دارد. تکرار در وزن و آهنگ جملات نیز قابل تأمل است؛ حتی در پاره‌هایی از کلام شاهد موازنه هستیم مثل بخشی که در وصف قلم آورده شده است. تکرار در نمود سجع و جناس نیز قابل توجه است که خود در مجموعه اظهارات موزون و مقفا دسته‌بندی می‌شود. در مجموع ۸۰۷ مورد انواع جناس، ۱۲۰۰ مورد انواع سجع و ۱۲۰ مورد موازنه و مماثله در متن وجود دارد. «نویسنده با به کارگیری صنایع ادبی و بهره‌گیری از تکرار و بازی با لغات، لفظ و معنا را به هم پیوند داده است و با ابزار کلام و ایجاد موسیقی به فضا سازی از رنج غارت مغولان پرداخته است» (مهربان، ۱۳۹۰: ۱۵۳). در نَفْثَةُ المَصْدور عنصر سازنده بسیاری از صنایع لفظی، تکرار واج‌های مشابهی است که تنها به قصد آرایش کلام نبوده بلکه مولف در القای معنی از آن بهره برده است.

پ- مجتمع‌شدگی؛ دو زیرمقوله جمع‌شدگی (پیوند نقش کارگزاران با یکدیگر) و تفکیک‌شدگی (جداسازی افراد و

جای انسان «وقار چون تیرباران آن آفت مشاهده کرد، به کلی سپر بینداخت» (زیدری نسوی، ۱۳۸۵: ۱۱۱)، و حیوان به جای انسان (مثل شخصیت‌های داستان‌های کلیله و دمنه) می‌شود. ۷۵ مورد نامشخص‌سازی، ۸ مورد نمادین‌شدگی، ۳۸ مورد فشرده‌شدگی درباره سلطان جلال‌الدین و ۳۴ مورد فشرده‌شدگی درباره دشمنان، و دو مقوله شی به جای انسان و حیوان به جای انسان نیز روی هم رفته ۶۵ مورد در متن وجود دارد. شخصیت‌زدایی دارای دو زیر مجموعه انتزاعی کردن و عینی کردن است. در *نقشه المصنوع* ۲۴ مورد انتزاعی کردن وجود دارد مثل تشبیه شمشیر به بار گناه، و ۱۹ مورد آمدن صفت به جای اسم، اما به طور کلی ۱۰۳ مفهوم انتزاعی در کتاب وجود دارد. عینی کردن به زیرمجموعه‌های «اندام‌مداری، گفته‌مداری، ابزارمداری و مکان‌مداری» تقسیم می‌شود (همان: ۷۳). اندام‌مداری موجود در متن، ۶۷ بار واژه دل و ۱۴۶ مورد سایر اندام‌ها است. ۲۸۰ مورد گفته‌مداری مثل انواع شعر، آیات قرآن و ... در متن وجود دارد. همین‌طور ۵۴ مورد عناصر طبیعت به عنوان مکان‌مداری، و ۷۰ مورد ابزارمداری مانند تیر، هدف، بلارک، سان، سیف، قلم و ... در متن وجود دارد.

پ- تحرک‌بخشی؛ به دو زیر مجموعه فعال‌سازی و منفعل‌سازی تقسیم می‌شود. در فعال‌سازی کارگزاران به صورت فعال بازنمایی می‌شوند. (علی احسان را دید)، اما در منفعل‌سازی کارگزاران به صورت عامل تاثیرپذیرنده نمایانده می‌شوند. (احسان دیده شد)، در متن *نقشه المصنوع* در حدود ۲۹۰ مورد فعال‌نمایی مانند «اکابر و بزرگان اگرچه در طاعت تاتار آمده بودند، هریک بر سبیل نفقه مددی نمودند و محقری فرستاد ...» (همان: ۹۹) و در حدود ۱۸۰ مورد منفعل‌نمایی مانند «سد یاجوج تاتار گشاده گشت» (همان: ۵۰)، وجود دارد. جدول شماره ۱ مؤلفه‌های گفتمان مدار متن *نقشه المصنوع* را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱. مؤلفه‌های گفتمان مدار متن *نقشه المصنوع*

مؤلفه‌های گفتمان مدار	تعداد موارد موجود در متن
پنهان‌سازی	۷۵ مورد پنهان‌سازی کارگزاران حقیقی
منفعل‌سازی	۱۸۰ مورد
فعال‌سازی	۲۹۰ مورد
طبقه‌بندی	۵۱۰ مورد
نام‌بری	۲۵ مورد
ذهنی‌سازی	۱۰۳ مورد
عینی‌سازی	۶۱۷ مورد
باهم‌آیی واژگان	۷۲۳ مورد

همگی علاوه بر نقش دستوری و کارگزاری اجتماعی، دلالت بر جنس مذکر نیز می‌کنند. در هویت‌بخشی، کارگزاران بر اساس نقش یا ویژگی‌های ذاتی‌شان طبقه‌بندی می‌شوند. هویت‌بخشی چهار زیرمجموعه را در بر می‌گیرد: «هویت‌بخشی مقوله‌ای (بر اساس نژاد، مذهب، حرفه و...) که در متن ۲۲ مورد وجود دارد؛ مثل ملاعین تاتار، سران لشکر پادشاه، سعدالدوله شفیق و ...؛ هویت‌بخشی با برجسته‌سازی (بر اساس یک صفت خاص) که در متن ۷۴ مورد است «مثل سلطان بارحمت رحیم، بچه‌شیر و ...»؛ هویت‌بخشی ظاهری (بر اساس ویژگی‌های ظاهری) که ۷۰ مورد در متن مورد بررسی وجود دارد «مثل خناجر با خناجر الف گرفته، اندام مجروح، خیره‌رویی، کور و ...» و هویت‌بخشی نسبتی (بر اساس روابط خویشاوندی، دوستی، شغلی و ...) که در حدود ۵۰ مورد در متن *نقشه المصنوع* وجود دارد. کل‌نگری به دو زیرمجموعه نوع و جنس تقسیم می‌شود. نوع بر افراد متفق‌الحقیقه مانند علی و احمد دلالت دارد و شامل دو زیرمجموعه گروه ارجاعی (مجموع ارجاعی و کل ارجاعی) و فرد ارجاعی است. در الگوی ون لیوون کنشگران اجتماعی یا به صورت عام و کلی در قالب طبقه، صنف و جنس بازنمایی می‌شوند و یا به صورت خاص و فردی در قالب افرادی با هویت معین و اسامی خاص. از نظر جامعه‌شناسان این دو مولفه جامعه‌شناختی-معنایی با طبقات اجتماعی جامعه ارتباط مسقیم دارد. در مقوله فردارجاعی، ۴۲۰ بار مولف درباره خود و احساسش توضیح داده و ۲۴ بار نام افراد را ذکر کرده است. در مولفه مجموعارجاعی ۱۴ مورد مثل «۵۰ طلب از اطلاب» در متن دیده شد. مولفه کل‌ارجاعی نیز ۹۰ مورد در متن وجود دارد که بیشترین بسامد از آن گروه تاتار است. جنس از طبقه‌بندی تعدادی مولفه نوع به دست می‌آید مانند انسان (همان: ۷۲)، شاید بتوان سه مقوله انسان، حیوان و شی را که موتیف‌وار در متن تکرار می‌شوند از مقوله جنس دانست. اسم‌گذاری به دو مولفه عنوان‌دهی (پروفیسور، دکتر، جناب و ...) و نام‌دهی (آقای فلانی، علی امینی و ...) تقسیم می‌شود که ۵۶ مورد عنوان‌دهی از قبیل سلطان، وزیر، صاحب دیوان، سرهنگ، پادشاه و غیره، و ۲۴ مورد نام‌بری در متن وجود دارد.

ب- شخصیت‌مداری؛ به دو مقوله شخصیت‌دهی و شخصیت‌زدایی تقسیم می‌شود. شخصیت‌دهی شامل نامشخص‌سازی (یکی را گفتند...)، نمادین‌شدگی؛ کارگزاران خیالی به جای حقیقی (مثل اطلاق نام رستم به کسی...)، فشرده‌شدگی (اطلاق فرشته نجات به پزشک و ...)، شیء به



نویسنده ادبی را به گونه‌ای تغییر می‌دهد تا پیام تاثیر بیشتری در مخاطب ایجاد کند. مؤلفه‌های ادبی گفتمان‌مدار به شرح زیر است:

الف- تعمیم؛ کلیت بخشیدن و نسبت دادن یک ویژگی خاص به تمام افراد گروه. در متن مورد بررسی ۹۰ مورد تعمیم وجود دارد.

ب- ایهام و مجاز؛ استفاده از واژگان دوپهلوی و مبهم. در متن ۴۵ مورد انواع ایهام وجود دارد.

پ- طعنه؛ بازسازی خصوصیات کارگزاران اجتماعی درست برعکس خصوصیات آن‌ها. در متن مورد بحث مواردی مثل عمارت کردن، آن ذات شریف، آن صدر و ... ۸ مورد، ۱۲ مورد استعاره تهکمیه (۸ مورد فارسی و ۴ مورد عربی) و ۱۴۵ مورد انواع کنایه از جمله ایما و تلویح وجود دارد.

ت- تشخیص؛ بازنمایی موجودات و پدیده‌ها با ویژگی‌های انسانی. ۱۷۰ مورد تشخیص در متن وجود دارد.

ث- ایجاز و خلاصه‌گویی؛ حذف بخشی از جمله و بیان جمله به صورت ناقص. در متن مورد بحث، در ۱۳۵ مورد با آوردن کلمه‌ای رابط مثل القصه، جملات قبل و بعد به هم متصل و نوعی انتظام حاصل شده است. در توصیف خوشگذرانی سلطان جلال‌الدین نیز با ایجاز و خلاصه‌گویی مواجه هستیم. در ۵۴۶ مورد نهاد جمله و در ۵۴ مورد بخشی از جمله حذف شده است.

ج- ضرب‌المثل و اصطلاحات؛ نویسنده به جای اشاره مستقیم به مسئله، از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات مربوط استفاده می‌کند. در متن مورد بحث، ۳۸ جمله تمثیلی، بعلاوه ۹ مورد اصطلاحات فن استیفا، ۱۰ مورد اصطلاحات علم نحو، ۶ مورد اصطلاحات علم نجوم، ۲ مورد اصطلاحات شعبده، ۲ مورد اصطلاحات شطرنج و ۵ مورد اصطلاحات رزمی وجود دارد.

چ- توصیف؛ پردازش کامل یک مسئله و به تصویر کشیدن آن در قالب کلمات. در متن مورد بررسی ۵ گروه توصیف وجود دارد: ۱- توصیف سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه؛ ۲- توصیف مغول و لشکریانش؛ ۳- توصیف و شرح حال خود مؤلف؛ ۴- توصیف مخالفان و موافقان؛ ۵- توصیف زمان، مکان و اشیاء.

ح- تشبیه؛ مانند کردن پدیده‌ای به پدیده دیگر برای توصیف و تشریح بهتر مسئله. در متن مورد بررسی ۲۴۰ مورد تشبیه در سطح واژگان و ۳۷ تشبیه دو موقعیت مختلف

علاوه بر موارد فوق، مسئله دیگری که در یک خوانش گفتمان‌مدار اهمیت دارد این است که معنای نشانه‌های درون یک گفتمان حول یک نقطه مرکزی یا دال مرکزی به طور نسبی تثبیت می‌شود. نقطه مرکزی نشانه برجسته و متمایز است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند. سایر نشانه‌ها معنای خود را از رابطه‌شان با نقطه‌های مرکزی به دست می‌آورند. بنا بر نظرات ون دایک (۲۰۰۵)، هر گفتمان در تقابل با گفتمان دیگر شکل می‌گیرد و گفتمان ایدئولوژیکی اغلب از استراتژی‌های کلی زیر که مربع ایدئولوژیکی نام دارد، استفاده می‌کند:

۱. تاکید بر خوبی‌های خود (یا مجموعه متعلق به خود)
۲. تاکید بر بدی‌ها و کاستی‌های دیگران
۳. عدم تاکید بر کاستی‌های خود
۴. عدم تاکید بر خوبی‌های دیگران

این نوع گفتمان ایدئولوژیکی و تقابل خوبی و بدی در نَفْتَهُ المَصْدور در ده مورد قابل بررسی است:

۱. تقابل سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه و تاتار
۲. تقابل روزگار و سروران
۳. تقابل مولف و جمال علی عراقی
۴. تقابل مولف و تاتار
۵. تقابل مولف و ملک مسعود
۶. تقابل مولف و شرف‌الملک وزیر
۷. تقابل مولف و احمد ارموی
۸. تقابل سلطان و شرف‌الملک
۹. تقابل نواب حضرت و اهل گنج‌ه
۱۰. تقابل منتیمان درگاه و رنود گنج‌ه

چنان که ملاحظه می‌شود، در نیمی از این ستیزها، یک جانب ستیز خود مولف است و در سایر موارد نیز یک طرف ستیز که در حیطه مفهومی مثبت قرار دارد، کسانی هستند که مورد لطف و دوستی مولف هستند و کسانی که در برابر آن‌ها ایستاده‌اند و یا در حیطه مفهومی منفی ایفای نقش می‌کنند با دشمن داشته شدگان زیدری، یکی هستند. او در ۴۲۰ جمله درباره خود و احساسش توضیح می‌دهد. زیدری ۱۰ بار (در ۱۰ صفحه) به تفصیل درباره سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه، در ۱۰ صفحه درباره تاتار و در ۱۵ صفحه درباره سایر دشمنانش توضیح می‌دهد.

ب- مؤلفه‌های ادبی: به کارگیری مؤلفه‌های ادبی شیوه بیان

**جدول ۲. مؤلفه‌های ادبی در متن نَفْثَةُ المصنوع**

مؤلفه‌های ادبی	تعداد موارد موجود در متن
تعمیم	۹۰ مورد
ایهام	۴۵ مورد انواع ایهام
تداعی ( تبادر)	۸ مورد
طنه - کنایه	۱۲ مورد استعاره تهکمیه (۸ مورد فارسی و ۴ مورد عربی)، ۱۴۵ مورد انواع کنایه و ۸ مورد ذکر واژه‌ای در معنای متضاد
ایجاز و خلاصه‌گویی	۵۴ جمله
تمثیل و اصطلاحات خاص	۳۸ جمله تمثیلی، به علاوه ۹ مورد اصطلاحات فن استیفا، ۱۰ مورد اصطلاحات علم نحو، ۶ مورد اصطلاحات علم نجوم، ۲ مورد اصطلاحات شعبده، ۲ مورد اصطلاحات شطرنج و ۵ مورد اصطلاحات رزمی
تشخیص	۱۷۰ مورد
توصیف	۵۹ بخش در توصیف ۵ گروه
تشبیه	۲۷۷ مورد
تکرار	۱۵۶ مورد
بیان آرزو	۳۱ مورد ( در قالب دعا)، ۹ جمله بیان آرزو
نمادآوری (اسطوره)	۸ مورد (اسطوره)
تمایزگذاری	۱۰ مورد کلی بین گروه‌های متفاوت
تغییر لحن	۴ مورد
طبیعت‌نمایی	۵۴ مورد
پرسش	۹۷ مورد (فارسی و عربی)

آنچه در تحلیل زبان‌شناختی نَفْثَةُ المصنوع با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی جلب توجه می‌کند تسلط نحوه تفکر اشعری مولف است که اندیشیدن را در چهارچوب شرع و گفته‌مداری متن گرفتار می‌کند و دانش سیاسی را نه بر پایه استدلال عقلی، بلکه بر مبنای اتباع از نصوص اشعری و ضرب‌المثل‌ها و اشعار پندگونه شرقی-اسلامی قرار می‌دهد. این نحوه تفکر با نفی فاعلیت انسان و عقل، موجب دوام و ثبات روابط اقتدارگرایانه و مستبدانه‌ای است که مناسبات اجتماعی میان فرادستان و فرودستان را تعیین می‌کند. در بسیاری از جملات و توصیفات نَفْثَةُ المصنوع نقش فاعل چندان برجسته نیست و این عمل و فعل است که در موضع اهمیت قرار دارد. به عبارتی عامل دستوری زبان‌شناختی فاعل‌ها در بیشتر موارد پذیرنده (patient) هستند و عاملان یا کارگزاران حقیقی (agent)، که درگیر فعل هستند به پس‌زمینه رانده شده‌اند.

به هم مثل تشبیه موقعیت مردم عصر خود به داستان‌های قرآن و ... وجود دارد.

خ- تکرار؛ ذکر دوباره نام یا مسئله‌ای برای برجسته کردن موضوع. ۱۵۶ مورد تکرار در متن هست که واژه دل بیشترین بسامد را دارد.

د- بیان آرزو؛ بیان آرزو بیشتر به منظور بیان کاستی‌ها و نقص‌هاست. در متن فوق، ۳۱ مورد ( در قالب دعا) و ۹ جمله بیان آرزو وجود دارد.

ذ- نمادآوری؛ برای به تصویر کشیدن و بازنمایی بهتر شرایط موجود، به نمادهایی از وقایع، اشخاص و اماکن گذشته اشاره می‌شود که ۸ مورد در متن وجود دارد.

ر- تمایزگذاری؛ برای برجسته ساختن یک کارگزار اجتماعی، شخصیت و اعمال او در تقابل و حتی تضاد با کارگزاران دیگر تصویرسازی می‌شود. تمایزگذاری در ۱۰ مورد بین ۲۰ گروه یا طرف وجود دارد.

ز- تداعی؛ برای تصویرسازی عوامل اجتماعی واژه‌هایی به کار گرفته می‌شود که در ارتباط با مسائل فرهنگی و اجتماعی، معنایی گسترده‌تر از معنای ظاهری خود، در ذهن خواننده خلق می‌کند. در نَفْثَةُ المصنوع ۸ مورد تبادر به کار رفته است و ۳۷ مورد در خلال روایت یک واقعه، مسئله دیگری برای نویسنده تداعی یا تشبیه شده است.

ژ - تغییر لحن؛ بازنمایی شخصیت و طبقه اجتماعی کارگزاران به طور غیر مستقیم از طریق شیوه بیان. ۴ مورد تغییر لحن در متن مورد بررسی وجود دارد؛ در حدیث نفس برای خویش، درباره موافقان، درباره مخالفان و درباره سلطان جلال‌الدین.

س- پرسش؛ طرح سؤال‌هایی که هم نویسنده و هم خواننده پاسخ آن را می‌دانند به منظور تاکید بر مطلب مورد بحث. ۹۷ مورد پرسش (فارسی و عربی) در متن وجود دارد.

ش- طبیعت‌نمایی؛ استفاده از مفاهیم مربوط به طبیعت برای بازنمایی حالات کارگزاران؛ طبیعت‌نمایی در متن نَفْثَةُ المصنوع ۵۴ مورد در مشبه‌به، و ۴۰ بار ذکر نام حیوانات است (ر.ک. یارمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۵-۱۵۲). مؤلفه‌های ادبی متن نَفْثَةُ المصنوع در جدول شماره ۲ قابل ملاحظه است.

## نتیجه‌گیری

در نَفْتَهُ المَصْدُور، علاوه بر لفظ‌پردازی بسیار، استفاده از جملات عاطفی و پرداختن به موسیقی کلام و تکرار وافر واج‌ها، که موجب جلب توجه مخاطب است و مفاهیم مورد نظر زیدری را به طور نامحسوس به ذهن خواننده القاء می‌کند، مفاهیم استعاری نیز پایه‌ی لفظ حرکت می‌کند. مولف علاوه بر اظهار با قرینه لفظی و فحوایی که وجه غالب و دلیل ادبیت اثر است، از مولفه حذف نیز استفاده بسیار کرده است. این سکوت یا جای خالی در بافت گفتمانی مذکور، به مدلولی دلالت می‌کند که پیوسته به تعویق می‌افتد؛ مدلولی که در نگاه نخست، حکایت از درونگرا بودن نویسنده دارد، اما آنچه به پس‌زمینه رانده می‌شود این است که زیدری با چینش ناخودآگاه و یا خودآگاه اجزای اثرش، و با تکیه بر گفته‌های مدارِ مطابق با اندیشه‌اش، سعی در ساخت پیکره‌ای از حوادث روزگار خویش داشته است که شکل کلی آن سرنوشتی محتوم و جبری مطلق است. او با ترکیب‌بندی ابعاد گفتمان‌های مسلط روزگار خود، در قالب ژانری از پیش موجود، ساختار و نظم گفتمانی موجود و مسلط روزگار خود را بازتولید کرده است. بنابراین، نَفْتَهُ المَصْدُور به عنوان رخدادی ارتباطی، فقط بازتابی از کردار اجتماعی روزگار او نیست، بلکه با بازتولید نظم گفتمانی، به حفظ وضع موجود کردار و نظم اجتماعی کمک می‌کند. ساختار کلی اثر به مخاطب القا

## منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی فرهنگی.
- آقاگل‌زاده، فردوس و خیرآبادی، معصومه. (۱۳۹۲). واقع نشدن فعل در عنوان‌های خبری روزنامه‌های فارسی‌زبان از منظر تحلیل گفتمان انتقادی. *دوفصلنامه زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء*، سال پنجم، شماره ۹، صص ۲۰-۲.
- پنکیوک، الستر. (۱۳۷۸). گفتمان‌های قیاس‌ناپذیر. (ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی). *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۴، صص ۱۵۷-۱۱۸.
- پوشنه، آتنا و بابک‌معین، مرتضی. (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان انتقادی در اثری از ابراهیم گلستان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان‌مدار با توجه به بازنمایی کارگزاران اجتماعی. *فصلنامه جستارهای زبانی*، دوره ۴، شماره ۲، پیاپی ۱۴، صص ۲۵-۱.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا؛ صحراگرد، رحمان؛ فلاح‌حسی،

می‌کند که در شکل‌گیری فرجام تلخ این تاریخ، سلطان مطلوب زیدری و مردم مظلوم سرزمینش در برابر جبر سرنوشت چاره‌ای جز انفعال نداشته‌اند. جالب اینجاست که به روایت تاریخ جهانگشای جوینی، خود چنگیز خان هم معتقد بود که عذاب خداوند است که بر سر گناهکاران فرود آمده است. در خطبه‌ها گفته می‌شد: «ای قوم بدانید که شما گناه‌های بزرگی کرده‌اید، این گناه‌های بزرگ را بزرگان شما کرده‌اند. از من پرسید که این سخن به چه دلیل می‌گویم. سب آنکه من عذاب خدایم، اگر شما گناه‌های بزرگ نکردندی خدای چون من عذاب را بر سر شما نفرستادی» (جوینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۸۱-۸۰). بر اثر کامیابی‌هایی که مغولان در نخستین حملات خود حاصل کرده بودند در تصور مردم چنین ثبت شده بود که مشیت الهی و بخت با آنان یار است و بر اثر مساعدت اقبال، هرگونه مقاومت با آنان ناممکن و بی‌ثمر است. این اندیشه ناصواب تا دیرگاه مایه فتح و پیروزی و پیشرفت‌های پرآمنه مغولان شمرده می‌شده است. استفاده از ساختار گفتمان‌مدار در نَفْتَهُ المَصْدُور بیشتر به منظور بیان ایدئولوژی مولف در باب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی (از دست رفته) است. آنچه که پشت آن همه لفظ‌پردازی و تقارن‌های لفظی و معنایی پنهان است، قلب شکسته مولف و اعتراض او به رسم جهان بی‌بنیاد است.

- محمد‌هادی. (۱۳۸۸). شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی معنایی. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۱، صص ۷۳-۵۱.
- جوینی، عطاملک ابن محمد. (۱۳۸۷). *تاریخ جهانگشا* تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: انتشارات هرمس.
- حق‌پرست، لیلان. (۱۳۹۱). شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در داستان بهمن از شاهنامه و بهمن‌نامه بر اساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی در تحلیل گفتمان. *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، دوره ۳، شماره ۲، صص ۶۲-۴۵.
- حیدری تبریزی، حسین و رزمجو، سید آیت‌الله. (۱۳۸۴). شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی. *پژوهش‌های فلسفی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، سال ۴۸، شماره ۱۹۵، صص ۳۴-۱.

- دآوری اردکانی، رضا؛ نیلی‌پور، رضا؛ قائمی‌نیا، علیرضا؛ جاج، آنتونی و یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۹۱). *زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی*. تهران: هرمس.
- دسپ، سهیل. (۱۳۸۸). *تحلیل گفتمان غالب در رمان‌های سیمین دانشور؛ سووشون، جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان*. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- فتوحی، محمود و افشین‌وفایی، محمد. (۱۳۸۷). *تحلیل انتقادی زندگی‌نامه‌های مولوی. مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، دوره ۴۱، ش ۳، پیاپی ۱۶۲*.
- ریاحی‌زمین، زهرا و جمالی، صدیقه. (۱۳۹۴). *نگاهی به تصویرپردازی در نفثه‌المصدر. متن‌شناسی ادب پارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره جدید، شماره ۳، پیاپی ۲۷، صص ۱۸-۱*.
- زیدری نسوی، شهاب‌الدین محمد. (۱۳۸۵). *نفثه‌المصدر. تصحیح و شرح امیرحسین یزدگردی*. تهران: انتشارات توس. چاپ دوم.
- سرمدی، مجید و عابدی، علی. (۱۳۹۲). *بررسی مفهومی و ساختاری آیات قرآن در نفثه‌المصدر. فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال اول، شماره ۴، صص ۲۰-۱*.
- سلطانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۴). *قدرت گفتمان و زبان*. تهران: نشر نی.
- شریف، مریم و یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). *بررسی رباعیات خیام از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان‌مدار. مجله شعرپژوهی (بوستان ادب)، دانشگاه شیراز، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۲۰، صص ۸۱-۶۷*.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۹). *تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان*. تهران: انتشارات سمت.
- شهبازی، ایرج. (۱۳۷۸). *تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات عاشقانه سعدی*. رساله دکتری. دانشگاه شیراز.
- طحان، احمد. (۱۳۸۷). *نقد و بررسی زیباشناختی در نفثه‌المصدر. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۵، شماره ۱۹، صص ۱۱۵-۸۹*.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه شایسته پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فرهنگی، سهیلا. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمانی شعر پیغام ماهی‌ها از سهراب سپهری*. مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۶، صص ۸۴-۶۹.
- فقیه ملک‌مرزبان، نسرين و فردوسی، مرجان. (۱۳۹۳). *تحلیل انتقادی گفتمان صوفیانه در گلستان سعدی. کهن‌نامه ادب فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره ۳، صص ۱۲۰-۸۷*.
- قاسم‌زاده، سیدعلی و گرجی، مصطفی. (۱۳۹۰). «*تحلیل گفتمان انتقادی رمان دکتر نون زنش را بیشتر از مصدق دوست داشت، اثر شهرام رحیمیان*. مجله ادب‌پژوهی، شماره ۱۷، صص ۶۳-۳۳
- قبادی، حسینعلی و همکاران. (۱۳۸۸). *تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون دانشور. فصلنامه نقد ادبی، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۸۳-۱۴۹*.
- کلانتری، صمد؛ عباس‌زاده، محمد؛ سعادت‌ی، موسی؛ پورمحمد، رعنا؛ محمدپور، نیر. (۱۳۸۸). *تحلیل گفتمان؛ با تأکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی. مجله جامعه‌شناسی، سال اول، شماره ۴، صص ۲۸-۷*.
- مشهدی، محمدمیر؛ اتحادی، حسین؛ واثق عباسی، عبدالله. (۱۳۹۴). *نقد و تحلیل تشبیه در نفثه‌المصدر. پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۴، شماره ۱، صص ۲۱-۲*.
- موسوی جروکانی، سیدحامد و سرمدی، مجید. (۱۳۹۲). *جریان سیال ذهن و انعکاس آن در نفثه‌المصدر. فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۱۷۶-۱۵۵*.
- مهربان، صدیقه. (۱۳۹۰). *نگاهی تازه به ویژگی‌های زبانی و بلاغی نفثه‌المصدر. مجله سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب)، سال چهارم، شماره ۴، پی در پی ۱۴، صص ۱۵۳-۱۴۳*.
- هوارث دیوید. (۱۳۷۷). *نظریه گفتمان*. (ترجمه سیدعلی‌اصغر سلطانی). *نشریه علوم سیاسی، شماره ۲، صص ۱۸۳-۱۵۶*.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: انتشارات هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله؛ یمنی، مرتضی؛ قنبری، لیلا. (۱۳۸۹). *مقایسه تحلیل انتقادی گفتمان داستان‌های کوتاه معاصر بزرگسالان و داستان‌های کوتاه معاصر نوجوان*. مجله مطالعات ادبیات کودک، سال اول، شماره اول، صص ۱۶۶-۱۴۳
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز. (۱۳۸۹). *تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

- Van Dijk, T. A. (1979). Cognitive processing of literary discourse, *Poetics Today*, 1, 143-160.
- Van Dijk, T. A. (1996). Discourse, power and access. In C. R. Caldas Coulthard & M. Coulthard, (Eds), *Texts and Practices: Readings in Critical Discourse Analysis* (pp.84-104). London: Rutledge.
- Van Dijk, T. A. (1997). Cognitive context models and discourse. In M. I. Stamenov (Ed.), *Language Structure, Discourse and the Access to Consciousness* (pp. 189-226). John Benhamin Publishing Company.
- Van Leeuwen, T. (1993). *Language and Representation: The Recontextualisation of Participants, Activities and Reactions*. Ph.D. Dessertiation, University of Sydney.
- Van Leeuwen, T. (1995). Representing social action. *Discourse and Society*, 6(1), 81– 106.
- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and Practice: New Tools for Critical Discourse Analysis*. Oxford: Oxford University Press.
- Van Leeuwen, T. A. (1996). The representation of social actors. In C. R. C. Coulthard & M. Coulthard (Eds.), *Texts and Practices: Readings in Critical Discourse Analysis* (pp. 32-70). London: Routledge.